

## سخنرانی در دیدار با مقام معظم رهبری<sup>۱</sup>

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم؛ سلام علیکم؛ بنده یک معلم، معلم فیزیک. تخصصم یاد دادن و یاد گرفتن و اندیشیدن است. در این اواخر که به فرموده جنابعالی قرار است الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت تدوین شود سعی کرده‌ام در اوقاتی که به فیزیک نمی‌پردازم به الگوی یاد شده بیاورم. در این مجلس مجال سخن دراز نیست. تنها به دو سخن و آن هم به کوتاهی می‌پردازم.

سخن اول: در دنیای دانشی شده و فناورانه امروز همه چیز قابل اندازه‌گیری است: انواع مسائل مربوط به اقتصاد، صنعت، خدمات، آموزش، مدیریت، حکومت، اخلاق، امنیت فردی و اجتماعی، سلامت جسم و روان و کم و بیش هرآن چیزی که در زیر آسمان کبود می‌شود پیدا کرد. می‌توان برای هر کدام از این شئون پارامتری تعریف کرد و پیشرفت‌ها و پسرفت‌های جامعه را به طور کمی سنجید. بسیاری از این پارامترها هم موجودند و متخصصان کشورمان با آنها آشنا هستند. ولی نکته‌ای که کمتر به آن واقفیم و کمتر حوصله پرداختن به آن را داریم، پایش مداوم پارامترهای پیشرفت و پسرفت است. اجازه دهید خطر کنم مبادا خاطر عالی مکدر شود مثال بیاورم. سال گذشته را سال کوشش مضاعف و تولید مضاعف اعلام فرمودید و سالی را که در همین روزها به سر می‌آید سال حمایت از کار و سرمایه ایرانی. ولی کمتر کسی از مسئولان و غیر مسئولان صرافت آن را پیدا کرده است که

---

۱- این سخنرانی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۴ در دیدار با مقام معظم رهبری ایراد شده است.

کار و کوشش سال گذشته و حمایت از کار و سرمایه امسال را بسنجد و گزارش دهد. اگر راه به درستی پیموده شده است ادامه یابد و اگر به بیراهه بوده است اصلاح شود.

به نظر این کمترین لازم است برای وجوه مختلف پیشرفت جامعه و کشور پارامترهای مناسب تعریف شوند، به طور مستمر پاییده شوند و به طور مستمر تجزیه و تحلیل شوند و راه و کارها عنداللزوم مورد بازبینی و جرح و تعدیل قرار گیرند.

سخن دوم: امید هر جامعه به جوانانش است. توانمندسازی نسل جوان و کودک باید اولین اولویت هر جامعه‌ای باشد و بیشترین سرمایه‌گذاری هم باید در همین راه انجام گیرد. بنده به اقتضای حرفه معلمی ام با کودک و جوان و توانایی‌هایشان آشنایی وسیع دارم. جوانان می‌توانند معجزه کنند، مشروط بر اینکه میدان داشته باشند، و در عرصه دانش و اندیشه جسور و سلحشور باریابند. در برنامه‌های آموزشی دبستانی و دبیرستانی مان عیب و ایرادی نمی‌بینیم ولی سیاست‌های اجرایی و امکانات مالی به راهی رفته است که آموزگاری و دبیری احترام شغلی لازم را ندارد. افراد توانا کمتر جذب می‌شوند. آیا خیلی مشکل است که بودجه آموزش و پرورش دو برابر و سه برابر آنچه که تا به حال بوده است باشد؟

در آموزش عالی علاوه بر کمبودهای مشهود فیزیکی باید به استحضار برسانم که محیط‌های دانشجویی مان علی‌الاصول عاری از نشاط است. نظارت‌ها و حراست‌های متداول جوانه‌های ابتکار و نوآوری و جسارت دست‌زدن به دست‌نرده‌ها را از جوان می‌گیرد. می‌شود به جوانان اعتماد کرد و باید اعتماد کنیم. سیاست‌های اجرایی متولیان آموزش عالی ایرادهای بنیادین دارد. با تشکر از فرصتی که به بنده داده شد و مصدع اوقات شدم.

یوسف ثبوتی